

مقاله پژوهشی

تحلیل سبک‌شناسی اشعار آیینی شاعران پس از انقلاب

عزیز زیلابی، مسعود پاکدل*، سیما منصوری، منصوره تدینی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

خرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۳، صفحات ۲۳-۴۳

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۲۱۳

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: سبک، شیوه بیان یک نویسنده یا شاعر است. این اصطلاح در حال حاضر درمورد روشهایی بکار میرود که از طریق بکار بردن فنون و مفهومیهای زبان‌شناسی به مطالعه تحلیلی ادبیات میپردازد. همچنین زاویه دید، مسائل زبانی، چگونگی شخصیت‌پردازی و چندوچون جهت‌گیری درونمایه را تعیین میکند. شعر آیینی بگونه‌ای از شعر متعهدانه گفته میشود که از جهت معنایی و محتوایی صیغه کاملاً دینی دارد و از آموزه‌های وحیانی، فرهنگ عترت و ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه میگیرد. مناسبت‌های مذهبی، ستایش چهره‌های دینی، توجه به مقوله‌های قدسی و ملکوتی و تزکیه و تهذیب نفس انسانی، در هسته مرکزی شعر مذهبی قرار دارد. از آنجاکه سبک‌شناسی ابزاری برای شناسایی هویت انسانی، علمی، ادبی و ایدئولوژیک شاعر است، این مقاله براساس سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن) به بررسی و تحلیل سبک‌شناسی اشعار آیینی در آثار شاعران پس از انقلاب چون قیصر امین‌پور، سلمان‌هراتی، علی معلم دامغانی، موسوی گرم‌رودی، سید حسن حسینی و علیرضا قزوه پرداخته است.

روش مطالعه: این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: توجه به موسیقی درونی، برجسته‌سازی مفاهیم و مضامین، استفاده از ترکیبات تازه و بدیع، روانی و سادگی هوشمندانه، استفاده هنرمندانه از عناصر بلاغی، تصویرسازی مخیل و عاطفی، مخاطب‌محوری، مفهوم‌گرایی، تأکید بر نهادینه ساختن مضامین دینی، انقلابی، انسانی و آرمانی از جمله ویژگیهای سبکی شاعران انقلاب است.

نتیجه‌گیری: این شاعران از تمام امکانات و عناصر شعر در جهت تبیین اندیشه‌های دین‌باورانه بهره برده‌اند و براساس همین اندیشه‌ها و مضامین علوی، حسینی و عاشورایی، آنها را میتوان شاعرانی مفهوم‌گرا نامید. نگاهی به جنبه‌های ادبی و زبانی شعر آنان نشان میدهد با موازین ادبی و زبانی گذشته و حال آشنایی دارند و برای افزودن بر تأثیر کلام خود هر کجا که مناسب دانسته از آنها بهره برده‌اند.

تاریخ دریافت: ۲۰ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۱۹ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۲۸ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

ادبیات آیینی، ادبیات معاصر،
انقلاب اسلامی، سبک‌شناسی لایه‌ای،
شعر عاشورایی.

* نویسنده مسئول:

✉ masoudpakdel@yahoo.com
☎ ۴۳۵۳۷۰۶۹ (۰۹۸ ۶۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic analysis of ritual poems of poets after the revolution

A. Zilabi, M. Pakdel*, S. Mansouri, M. Tadayoni

Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۸ February ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۹ March ۲۰۲۱

Revised: ۱۸ March ۲۰۲۱

Accepted: ۱۱ May ۲۰۲۱

KEYWORDS

Ritual literature,
Contemporary literature,
Islamic Revolution,
layered stylistics, Ashura poetry

*Corresponding Author

✉ masoudpakdel@yahoo.com

☎ (+۹۸ ۶۱) ۴۳۵۳۷۰۶۹

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Style is the expression of a writer or poet. The term is currently used to refer to methods studying literature analytically through the use of linguistic techniques and concepts. It also determines the angle of view, linguistic issues, how to characterize and how to orient the theme. Ritual poetry is a form of committed poetry that has a completely religious nature in terms of meaning and content and originates from the revelatory teachings, the culture of Etrat and Wilayah and the history of Islam. Religious ceremonies, praise of religious figures, attention to sacred and heavenly categories, and human self-cultivation and self-purification are at the core of religious poetry. Since stylistics is a tool for recognizing the poet's human, scientific, literary and ideological identity, this paper uses a descriptive-analytical procedure to investigate obvious stylistic features of Post-Revolutionary Poets such as Kaiser Aminpour, Saman Harati, Ali Moallem Damghani, Ali Mousavi Garmaroodi, Seyed Hassan Hosseini and Alireza Qazveh.

METHODOLOGY: This paper has been written based on library studies in a descriptive-analytical manner.

FINDINGS: Paying attention to internal music, giving prominence to ideas and concepts, using the marked vocabularies, fluency and simplicity, eloquent elements artistically, making pictures of imagination and emotion, paying attention to addressee-centered and meanings, emphasizing on religious, revolutionary, humane and ideal concepts are among the stylistic features of Revolutionary Poets.

CONCLUSION: The results show that these poets have used all the possibilities of poetry to explain their religious ideas and based on these ideas and the Alavi, Hosseini and Ashura themes, they can be called conceptualist poets. A look at the literary and linguistic aspects of their poetry shows these poets know the literary and linguistic standards of the past and present and wherever they deem appropriate, they use them to increase their word influence.

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۲۱۳

NUMBER OF REFERENCES



۲۶

NUMBER OF TABLES



۰

NUMBER OF FIGURES



۰

مقدمه

با نگاهی به تاریخ ادبیات در ایران بخوبی میتوان دریافت ادبیات بویژه شعر مذهبی از روزگار دور با اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع متناسب بوده است. با توجه به هویت درباری شعر فارسی در سده‌های چهارم و پنجم هجری، شعر آیینی کمتر در ادب فارسی بچشم میخورد. نخستین نمونه‌های شعر آیینی فارسی بطور جدی در آثار کسای مروزی و ناصر خسرو دیده میشود. با نگاهی به سیر تاریخی گرایش مذکور متوجه خواهیم شد که رویکرد جامعه ادبی و فرهنگی در ادوار مختلف شعر فارسی در قبال شعر آیینی فرازونشیبهای فراوانی طی کرده است تا اینکه با قدرت یافتن صفویان (سده دهم) نخستین پایگاه رسمی برای حمایت تشیع ایجاد شد که برآیند آن پی‌ریزی بنیانی برای گرایش خاص به شعر آیینی و بخصوص مدح و منقبت و مرثیه بزرگان تشیع شد.

شعر آیینی از دوران مشروطه (۱۲۸۵ خورشیدی) به بعد پایگاه قدرتمندی در نزد شاعران و علاقه‌مندان پیدا کرد و با پیروزی انقلاب اسلامی (سال ۵۷ خورشیدی / ۱۹۷۹ میلادی) عواملی چون انقلاب و جنگ هشت‌ساله ایران و عراق باعث شد که شعر آیینی بعنوان جریانی پویا و قوی در صحنه ادبیات مطرح شود. پس از انقلاب اسلامی، تحولاتی در قلمرو شعر آیینی ایجاد شد که مهمترین آنها تعمیق آگاهی و تغییر محتوایی بود که این امر بوسیله شاعرانی چون قیصر امین‌پور، سلمان‌هراتی، علی معلم، موسوی گرمارودی، سیدحسن حسینی و علیرضا قزوه انجام شد. بدون شک هرگاه ارزشهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ای تغییر یابد و دگرگون گردد، در نوع نگرش و عواطف و احساسات شاعر نیز تغییر و تحولی پدید می‌آید. این امر مسیر تخیل، دیدگاه، زبان و عاطفه شاعر را در عرصه شعر و ادب، در هر عصری که باشد نیز دگرگون میسازد؛ زیرا نگرش و بینش شاعر از رویدادها و جریانهای که بر فضای جامعه حاکم شده است، در مضامین و درونمایه‌های شعری که پیوندی ناگسستنی با روحيات و خلیات شاعر دارد، بسیار تأثیرگذار است و براحتی میتوان تأثیر این حوادث را در آثار شاعر یا نویسنده مشاهده کرد؛ بطوریکه با خواندن اشعار در هر عصری میتوان به رخدادها و وقایع آن عصر پی برد.

با طلوع خورشید انقلاب اسلامی، تحولی بنیادین در ارزشهای فرهنگی، اجتماعی و معنوی مردم ایران رخ داد و کمتر سروده‌ای را در دوران انقلاب اسلامی میتوان یافت که بطور مستقیم یا غیرمستقیم رگه‌ها و نشانه‌هایی از رخدادها و وقایع زمان و عواطف ناشی از آن را دربر نداشته باشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، علاوه بر اینکه وضعیت کشور ایران از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تغییر کرد، در اندیشه‌ها و تفکرات شاعران این عصر هم تحولاتی اساسی برجای گذاشت که حاصل آنها بصورت سروده‌های امروزی در اقشار مختلف مردم است. پیروزی انقلاب اسلامی بدون شک پرشورترین واقعه تاریخ معاصر ایران بود و این شور و هیجان بطور طبیعی در آثار شاعران آن سالها انعکاس یافت. شاید در زبان فارسی در این قرن برای کمتر رویدادی آنقدر شعر سروده شده باشد که برای انقلاب اسلامی سروده شد. از طرفی این کار برای شاعران انقلاب اسلامی نوعی ادای وظیفه بود. از جمله خصوصیات و ویژگیهای شعر انقلاب اسلامی میتوان به انعکاس معارف و مضامین اسلامی، توجه به غزل و تجلی حماسه و مرثیه در آن، پیوند حماسه و عرفان، انتظار منجی عالم، تجلیل از شهیدان، تقدیس شهادت، بمثابة یک فرهنگ اصیل ماندگار، ورود مسائل سیاسی-اجتماعی به شعر انقلاب، غفلت‌ستیزی و دعوت به بیداری، بازگشت به عشق آسمانی، روی آوردن به قالبهای سنتی شعر فارسی، استفاده از تلمیحات دینی و ایمانی اشاره کرد. بنابراین پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی، تفسیر و تحلیل اشعار آیینی شاعران پس از انقلاب پرداخته است و از آنجاکه به شیوه سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن) در چهار سطح درباره اشعار آیینی این شاعران اثر مستقلی نوشته نشده است و نقد و تحلیل آثار ادبی با این رویکرد

کمر مورد توجه بوده است، پژوهش در این حوزه جزو ضروریات بنظر میرسد و تلاش میکند به اهداف زیر در این تحقیق دست پیدا کند:

- ۱- معرفی شاعران شاخص آیینی‌پرداز بعد از انقلاب.
- ۲- تعیین عوامل و مشخصه‌های برجسته سبک‌ساز و نقش و ارزش آنها.
- ۳- تبیین نقش و تأثیر زیباشناسی و نقش ایدئولوژی عناصر مربوط به هر لایه.

سابقه پژوهش

درمورد موضوع تحقیق تاکنون کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان بصورت مستقل نوشته نشده، اما درمورد سبک‌شناسی پژوهشهای قابل توجهی صورت گرفته است که میتواند راهنما و الگوی بحث سبک‌شناسی ما در این پژوهش قرار گیرد که به چند مورد اشاره میکنیم:

درگاهی در مقاله «جایگاه معنی در سبک شعر فارسی» (۱۳۸۳)، ارزش معنا در سبک‌شناسی شعر فارسی را مورد بررسی قرار داده است. مقاله با این دعوی آغاز میشود که دانش سبک‌شناسی بیشتر به مختصات ظاهری و مباحث صوری و زبان‌شناختی شعر اعتبار میدهد و در این کار معانی اندیشه‌ها و درونمایه‌های اشعار را یکسره نادیده میگیرد. درحالیکه هم در سرآمدان شعر کهن و هم در تعبیر، شاخه مهمی از نقادان دو سده اخیر، معنی یکی از دو پایه اساس سبکها و گاه حتی «تنها پایه آن» بشمار آمده است و قالب و محتوا کیفیت یک جوهر واحد.

هوشنگ محمدی در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی لایه‌ای مجموعه اشعار قیصر امین‌پور» به بررسی جنبه‌های گوناگون سبکی شاعر پرداخته و شعر وی را در چهار لایه آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی مورد بررسی قرار داده است. تحقیق حاضر ضمن الگوپذیری از مقاله مذکور، همین تقسیم‌بندی را در سبک شعر شاعران پس از انقلاب ملاک کار قرار داده است و تا کنون به شیوه سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن) در چهار سطح و ویژگی درباره این شاعران کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان بصورت مستقل نوشته نشده است.

بحث و بررسی

ویژگیهای زبانی

برجستگیهای لفظی و ساختاری: منظور از برجستگیهای لفظی و ساختاری، تمام فرامودهای شکلی یک اثر ادبی نظیر شعر است که نوگرایی زبانی و واژگانی، ترکیب‌سازی و استفاده از تعابیر و تصاویر خاص از مصادیق آنند. در ادامه هریک از این موارد بررسی میشود.

نوجویی در قافیه و ردیف: سعی در پیدا کردن قافیه و ردیف نو را باید جزئی از نوجویی فراگیر در ادب معاصر دانست که در قالبهای مختلف شعر انقلاب اسلامی بروز و ظهور پیدا کرد. معمولترین ردیفها در شعر فارسی، ردیفهای «فعلی» اند. شاید همین معمول بودن، کار را به تکرار کشانده است؛ اما در شعر انقلاب، ردیفهای فعلی و عبارتی تازه‌ای را نیز میتوان سراغ گرفت که در جای خود گویای نوآوری محسوب میشود. ردیفهایی مانند آتش گرفت، بر خاک افتاد، زد و رفت، چون شدند، نرفته است، میخواندم، میزدند، کاری است شگفت، خوب میدانم، شکفت، هجرت کرد.

از دل به داغ هجر تمنا نرفته است / رفتی و یادت از دل شیدا نرفته است (گزیده ادبیات معاصر، معلم: ص ۳۶)

ناگهان دیدم سرم آتش گرفت / سوختم، خاکسـترم آتش گرفت (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۲۹۹)

در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است / امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است (مجموعه اشعار، هراتی: ص ۱۴۹)

آوخ آن هوشیاران مستان زین شبستان چون شدند / آن قدح‌نوشان غم، آن می‌پرستان چون شدند؟ (صدای سبز، گرم‌رودی: ص ۴۲۹)

موسوی گرم‌رودی در مرثیه مذهبی «آن سیاووشان» در سوگ شهیدان دفاع مقدس با تکرار ردیف عبارتی «چون شدند» علاوه بر مؤثر واقع شدن در مضمون شعر، بر ارزش موسیقایی آن نیز افزوده است.

اما در باب ردیفهای اسمی باید گفت علاوه بر واژگانی که بطور ابتکاری و اتفاقی در موضع ردیف قرار گرفته‌اند، سه گروه از واژگان و اصطلاحات نیز با بسامد چشمگیری در این جایگاه قرار دارند:

الف- واژگان و اصطلاحات انقلاب: خون، شهید، شهادت، سرخ، نخل، آتش، لاله، زخم و...
به آب تیغ تو لب تر نمیکند زخمم / نشاط قهر تو دیگر نمیکند زخمم (شرح‌شرح است صدا در باد، معلم دامغانی: ص ۲۳۱)

هلا پاسداران آیین سرخ / سواران شوریده، بر زین سرخ (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۱۶)
ب- واژگان و اصطلاحاتی که تعلیم دیدگاهی انقلابی: نور، صبح، سلام، سحر، بیداری، یقین، ایثار، قیام و...

ای سر به فلک کشیده ای کوه قیام / فریاد تو آیه‌های بشکوه قیام (همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۱۱۶)
ای عطش‌نوشان بزم ظهر عاشورا، سلام! / بچه‌های انتقام سیلی زهرا، سلام! (سوره انگور، قزوه: ص ۲۸۹)
قزوه در بیت بالا با التزام ردیف «سلام» شهدای دفاع مقدس را دنباله‌رو ائمه معصوم و امام حسین (ع) و واقعه کربلا میدانند.

ج- واژگان مذهبی از قبیل توبه، نماز، جهاد، حسین (ع)، عباس (ع) یا واژه‌های نمادین و جایگزین شخصیت‌های مذهبی و انقلابی: خورشید، دریا، گل سرخ، آفتاب، فرات و...

ایمان و امان و مذهبش بود نماز / در وقت عروج مرکبش بود نماز (در کوچه آفتاب، امین‌پور: ص ۱۱۱)

روزی که بر جام شفق مل کرد خورشید / بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید (رجعت سرخ ستاره، معلم دامغانی: ص ۷۷)

گر بر ستم قرون برآشفست حسین / بیداری ما خواست، به خون خفت حسین (همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۱۱۱)

درخود شکست آن شب، از خود برید عباس / اوج ولایت است این، خود را ندید عباس (انگشت خاتم، قزوه: ص ۵۳)

شاعر در بیت بالا حضرت ابوالفضل عباس (ع) را مورد خطاب قرار داده و با آوردن ردیف «عباس»، موسیقی و فضای عاطفی شعر را تقویت کرده و زیبایی صحنه دلاوریها و ازخودگذشتگیهای آن حضرت را بتصویر کشیده است. قزوه سعی میکند در هر موضعی، از امکانات زبانی و موسیقایی برای پرورش معنا بیشترین بهره را ببرد.

از ویژگیهای شعر انقلاب که در واقع باید آن را خدمت این سبک به ادبیات فارسی نامید، زنده کردن قالب مثنویست. در مثنویهای با اوزان بلند ادبیات انقلاب، ردیفها را اغلب عبارات فعلی، جمله‌ها و شبه‌جمله‌ها تشکیل میدهند که

ویژگی اصلی همه این ردیفها بلند بودن آنها میباشد. علی معلم اولین و تأثیرگذارترین شاعر و یا به عبارت دیگر ابداع‌کننده این روش است و در مثنویهای او چنین ردیفهایی بوفور دیده میشود:

قحط آبست تو از آب چه میدانی هان / از گدار و تک و پایاب چه میدانی هان (گزیده ادبیات معاصر، معلم: ص ۸۱)

یا در بیت زیر اولین کلمات یعنی «ایوب» و «یعقوب» قافیه و بقیه کلمات هر دو مصراع ردیف هستند:

ایوبها به حوصله پامال غم شدند / یعقوبها به حوصله پامال غم شدند (رجعت سرخ ستاره، معلم: ص ۵۸)

در شعر سیدحسن حسینی گاهی ردیفهای بلند متشکل از جمله یا عبارت را خصوصاً در مثنویهای او میتوان یافت:

نسل گل این بار هم از خار ضربت میخورد / صبح ایمان از شب کفار ضربت میخورد (سفرنامه گرباد، حسینی: ۱۰۹)

قافیه‌های درونی و ذوقافیتین: اگرچه استفاده از قافیه‌های متعدد در شعر شاعران گذشته، مسبوق به سابقه است، شاعران پس از انقلاب نیز از قافیه‌های متعدد یا صنعت «ذوقافیتین» در اشعار خود استفاده کرده که ضمن افزایش موسیقی کناری به شگرد و ویژگی سبکی خاص برای شعر آنان بدل شده است:

این جاده را با ریگ صحرا پویه کردم / این ناله را با موج دریا مویه کردم (رجعت سرخ ستاره، معلم: ص ۷۹)

قافیه درونی و ذوقافیتین، در آثار قدما اغلب در طول یک قالب شعری بصورت التزام رعایت میشد که اثر را تصنعی و شعر را به نظم تبدیل میکرد. ولی مثنوی‌سرای نوگرای انقلاب، خود را ملزم به آوردن این صنعت در همه ابیات نمیکند و از میان غث و ثمینهای آن، فقط ثمینها را انتخاب میکند و بجای اینکه اثر خود را تصنعی و بی‌روح سازد، به آن زیبایی و جذابیت میبخشد. شاعرانی چون علی معلم گذشته از بکارگیری قوافی خوش‌آهنگ در انتهای مصراعها، گاهی جهت افزایش موسیقی شعر، قافیه‌های درونی می‌آورند که در برخی موارد منجر به صنعت موازنه و ترصیع نیز میشود:

بسی خبیر که ابلیس آدمی جو دید / بسی بصیر که ابلیس آدمی رو دید

یکی به هیبت هابیلیان رهرو، خوش / یکی به هیبت قابیلیان برادرکش (رجعت سرخ ستاره، معلم: ص ۶۳)

دیروز چو دانه در دل خاک شدند / امروز چو لاله قد برافراشته‌اند (همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۱۲۹)

ترکیب‌سازی و عناصر شعر: ترکیب‌سازی در یک زبان، مانند تکثیر سلولی در بدن موجود زنده، بقای آن را تضمین میکند. پیدایش واژگان جدید نتیجه احساس نیاز اهل ادب به مصالح زبانی تازه است، تا اندیشه متفاوت خود را به زیباترین شکل بیان کنند. شعر آیینی و انقلابی محصول فضای فکری و اجتماعی متفاوتی است، بنابراین شاعران انقلاب با مفاهیم تازه‌ای مواجهند و نمیتوانند برای بیان پاره‌ای از آنها، استعداد زبانی و واژگانی مناسبی بیابند و ناگزیر به واژه‌سازی میپردازند. از این رهگذر، بسامد ترکیبات نو در نقاط عطف تحولات سبکی نسبت به دوره‌هایی که یک سبک واحد در جریان بوده به مراتب بالاتر است. ادبیات انقلاب اسلامی در ادب معاصر فارسی نقطه عطف و ساحتی نوین است. اینجا شاعران در عالمی متفاوت سیر میکنند؛ باید‌ها و نبایدها و مبانی و مفاهیم شاعر آیینی و انقلابی با دیگر شاعران معاصر، بکلی یا بطور نسبی متفاوت است. این تفاوتها به زبانی متفاوت می‌انجامد و ترکیبات و کلمات جدیدی را بدنبال می‌آورد. ترکیباتی نظیر «خون بانو، کاروان نیزه، باران نیزه، تلاوت خورشید، طفل آب، مشق گریه، چشم فرات، مشک تشنه، نوح حادثه، خضر شهادت، دیوان کوفه، طوفان کربلا، تلاوت خون، صدای الس، حجره‌های تنگ قوافی، باغ سبز الفبا، وفور لبخند، قیمت احساس، حسرت ستاره، زانوان خسته مغرور،

قرآن سرخ، خون آیه، باغ بینش، گلبوسه گلوله، گلداهای زخم، آینه‌دار نجابت، صبح شهادت، نماز شهادت، مرگ سرخ، خونبهای حقیقت، میعاد عشق، گذرگاه تاریخ، چشمخانه ستم، شیرین سخت، قبیله خون، تبار جنون، بوته‌های شهادت، تلواسه تفنگ، نبض مرگ، آیه‌های جهاد، شقیقه شب، گل سپیده، دهان تفنگ، سجاده ایمان، دنده اخلاص، کوله‌بار غربت، مشک صداقت، ذوالجناح رزم، نای نینوا، اسب سحر، نخلهای روزه‌دار، حسینیّه دل، گل‌واژه لبیک، حمزه عشق، دفتر فطرت، لوحه هجرت، هزاره عطش، مرز محال، تفنگ خشم، کربلای ایثار، رزمگاه ایمان، مقتدای آبهای آشوب، و ابر بیداری» در شعر شاعران انقلاب از این قبیل است.

واژه‌ها و اصطلاحات نظامی: بی‌گمان بیشترین سهم در دایره واژگانی شعر انقلاب مربوط به واژگان و اصطلاحات نظامی است. جنگ‌افزارهای سبک و سنگین، انواع تفنگها، توپها، موشک، تانک و همراه با اجزایی جداگانه که برخی نامی خوش‌تراش و شاعرانه دارند؛ از قبیل ماشه، قنداق، و مگسک دست‌مایه‌های خوبی برای پرداختن اثر ادبی است:

و صدای «رگبار» سرب / ترانه همیشه اوست / که شهادت را / «مبارک باد» میگوید (صدای سبز، گرم‌رودی: ص ۱۵۵).

از دیگر ویژگیهای سبکی شاعران انقلاب، حضور پررنگ «اصطلاحات و واژه‌های جنگ» است که منجر به خلق مراعات‌نظیرهای زیبا شده است. واژه‌هایی مانند: «نیزه، سنان، خطر، انتقام، آتش و خون، تیر، شمشیر، جوشیدن خون، سپاه، لشکر، تیغ، اسیری، قتلگاه، شهادت، شهید، حادثه، گودال، تاراج، زخم، خنجر، حریف، شبگیر، سر بریدن، غریبی، زخم، کینه، فریاد، مرگ، ننگ، تاوان، مسلسل، سرب، صدام، پاسدار، وطن، دین، لاله، شقایق، سوار، سهراب، مسجد، آیه، جنگ، سرخ، استقلال، چکمه، خشاب، مرگ، کفن، غسل، اسب، زوبین، محمل، هجوم، دشنه، دژ، دشمن، خروشیدن، رجز، میدان، طبل، فتح، پیروزی، سنگر، قلب، زخمه، فتنه، هیاهو، زخمی و ...

از بس که تیر بود و سنان بود و نیزه بود / هفتاد حمله بسته شد از خیمه تا فرات (با کاروان نیزه، قزو: ص ۲۷)
من زخم خوردم، صبر کردم، دیر کردم / من با حسین از کربلا شبگیر کردم (رجعت سرخ ستاره، معلم: ص ۷۹)
آه ای شمایان / در ارتش دلاور ایران / ای چکمه‌تان / انباشته از صولت پولاد / چشمه‌ایتان عقاب / داستانان مسلسل / باده خشاب دلدوز / ای بازوانتان: دل دریا / همواره پیروز ... (خط خون، گرم‌رودی: ص ۷).

با توجه به بسامد بالای واژه‌های جنگ در اشعار شاعران انقلاب، این فکر و اندیشه تقویت میشود که آنان فرهنگ پایداری را که نتیجه قیام امام حسین (ع) است، بخوبی در اشعار خویش نمایان ساخته‌اند.

کاربرد نمادین رنگ: رنگ بعنوان برجسته‌ترین و نمودارترین عنصر در حوزه محسوسات، از دیرباز تاکنون مورد توجه انسان بوده است. بسیاری از شاعران، بعنوان زیباشناسان جهان آفرینش از واژگان رنگین در عینی‌تر شدن ایماژهای شاعرانه و کشف و توضیح روابط میان تصاویر شعری در جهت بیان آرمانها و خواسته‌های خود بهره‌ها برده‌اند. رنگها حسّ بینایی افراد را برای بهتر بتصویر کشیدن خیالات شاعرانه، تحریک میکنند و گاه بعنوان زبان، عملی میشوند تا به مخاطب، سخنانی را بگویند که واژه‌ها از بیان آن ناتوانند. شاعران انقلاب نیز با بکارگیری نماد رنگ در آثار خود، تداعیهای پررمزورازی در حوزه‌های تمثیلی با زمینه‌های گوناگون فرهنگی، آیینی و تاریخی آفریده‌اند. عنصر رنگ یکی از اجزای مهم صور خیال و یکی از عناصر برجسته زبان نمادین این شاعران است که بخوبی در جهت غنای جوهر هنری و ادبی اشعار خویش، هویت‌سازی ملی و پیوند اندیشه دینی با فضای جامعه بکار رفته است. نتایج نشان میدهد این شاعران از رنگ سرخ بعنوان نماد شهید و شهادت و جاودنگی، رنگ سبز

نماد طراوت و تکامل، رنگ زرد نماد جدایی و نرسیدن به هدف، رنگ آبی نماد پاکی و آرمش، رنگ سیاه نماد ظلمت و حزن و اندوه و رنگ سفید نماد پاکی و قداست بهره برده‌اند.
خوشا چون گل به فصلی، سرخ مردن / خوشا در فصل دیگر، زادنی سبز (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۳۵۹)
افتاد/ آنسان که برگ- / آن اتفاق زرد- / میفتد (همان: ص ۳۷۲)
یک دشت، سیب سرخ، به چیدن رسیده بود / باغ شهادتش، به رسیدن رسیده بود (باکاروان نیزه، قزو: ص ۳۹)

ناگاه خنجر سیاه برآمد به قلب خورشید (در سایه‌سار نخل ولایت، گرمارودی: ص ۵۴)
خوشا که روزی سرخ بمیرم و سبز برآیم (صدای سبز، گرمارودی: ص ۲۳۰)
و بندبند رگان غیرتشان جاودانه/ کتاب سرخ شهادت را شیرازه بستند (هم‌صدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۷۳)
از خاک سجده‌های سرخ/ گلدسته‌ای/ فوران کرد/ و سقف بلند فریادی نفیس/ قائم به عشق/ بالا رفت (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۷۳)
ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سر بلند (از آسمان سبز، هراتی: ص ۱۰۰)

ویژگیهای نحوی

در بررسی ساختار نحوی به ترتیب قرار گرفتن رکنهای جمله توجه میکنیم. برخی بگونه‌ای واژگان و جمله‌ها را با هم ترکیب میکنند که خود نرم یا هنجار تازه‌ای می‌آفرینند و شاعرانی هم در ساختار نحوی آفرینش هنری ندارند. البته باید توجه داشت که ساختار نحوی در قالبهای گوناگون شعر جلوه‌های گوناگون دارد. بدیهی است که شاعر با رعایت جنبه‌های بلاغی کلام پیوسته از زبان خشک و جمله‌های تکراری میگریزد و همین گریز از ساخت معمول کلام، سبک ویژه‌ای به شعر او میدهد. نمونه‌هایی از هنجارگریزی شاعران که در هر یک انگیزه‌ای زیباشناسانه دارند، به شرح زیر مییابند:

تأخیر نهاد: شاعر در ابیات زیر میخواهد واژه‌های «فرا»، «کربلا» و واژه «خورشید» را که استعاره از سر مبارک امام حسین (ع) است، برجسته‌تر و آشکارتر نماید تا درد جانسوزش را بنمایاند. بهمین خاطر نهاد را در آخر آورده است:

فرصت دهید گریه کند بی‌صدا، فرا / با تشنگان بگوید از آن ماجرا، فرا (با کاروان نیزه، قزو: ص ۲۷)
روزی که در جام شفق مل کرد خورشید / بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید (رجعت سرخ ستاره، علی معلم: ص ۷۷)

آن‌دم که بر گلوی تو خنجر کشید خصم / روح تو در کشاکش راز و نیاز بود (صدای سبز، گرمارودی: ص ۱۲۱)

کاربرد فعل در آغاز جمله: کاربرد فعل آغازین، در بسیاری از موارد نشانگر اهمیت فعل و عمل صورت‌گرفته است و جنبه تأکیدی دارد.

می‌آیم از رهی که خطرها در او گم است / از هفت منزلی که سفرها در او گم است
جوشید خونم از دل و شد دیده باز، تر / نشنید کس مصیبت از این جانگداز تر (با کاروان نیزه، قزو: ص ۱۷)

میگیریم از غمی که فرونتر ز عالم است / گر نعره برکشیم ز گلوئی فلک کم است (صدای سبز، گرمارودی: ص ۱۰۵)

میرفت و دیدگان پدر بود سوی او / کی میتوان که از جگر خویش، دل برید (همان: ص ۱۱۴)
میرس از دل خود، لاله‌ها چرا رفتند / که بوی کافری از این سؤال می‌آید (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۳۹۶)

در ابیات بالا فعل‌های «می‌آیم»، «جوشید»، «میگیریم» جنبه تأکیدی دارند، تأکید بر اعلام خبری مهم و واقع‌های بزرگ و مصیبتی جانگداز.

ساختمان جمله: در اشعار شاعران انقلاب، جملات بیشتر کوتاه و به سبک گسسته بکار رفته است. گاهی در یک بیت، چهار جمله بکار می‌رود:

من زخم خوردم، صبر کردم، دیر کردم / من با حسین از کربلا شبگیر کردم (رجعت سرخ ستاره، علی معلم: ص ۷۹)

سرش بر نی، تنش در قعر گودال / ادب را گه الف گردید، گه دال (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۳۶۵)
ما بی‌تو تا دنیاست دنیایی نداریم / چون سنگ خاموشیم و غوغایی نداریم (از آسمان سبز، هراتی: ص ۱۴۸)

جمله‌های تفسیری: در جمله‌های تفسیری گویا شاعر احساس میکند که اگر آنها را نیاورد، کلام مبهم میماند؛ چنانکه خاقانی در بیتی درمورد جمله‌های تفسیری چنین می‌گوید:

کس نداند این نثار از بهر کیست: / تا نگویم بر فلان خواهم فشاند (دیوان، خاقانی شروانی: ص ۱۴۱)

واینکه هر چیز: یا سرخ است / یا حسینی نیست! (صدای سبز، گرمارودی: ص ۱۶۷)

زمین و آسمان دیدند: / کودکی تنها به میدان رفت (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۵۶۵)

ویژگی‌های ادبی

مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی ادبی دارد. در همین لایه است که سبک‌شناس میتواند با تکیه بر میزان کارکرد آرایه‌های بلاغی و لفظی بسبب کار نویسنده پی ببرد. سبک هر سخن، بر اساس فراوانی کاربرد آرایه‌های بلاغی، سرشت صوری و محتوایی ویژه‌ای پیدا میکند. مثلاً کاربرد تشبیه در یک متن، سبک تشبیهی را شکل میدهد و بسامد بالای استعاره، سبک استعاری را رقم می‌زند (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۳۰۴).

تشبیه: شاعران انقلاب، اندیشه‌ها و عواطف خود را بیشتر به یاری تشبیهات بلیغ و مفصل ارائه داده‌اند. در تشبیه بلیغ با حذف وجه‌شبه تلاش ذهنی و کسب لذت ادبی بیشتر میگردد و بر تأثیر تشبیه می‌افزاید. تصاویر تشبیهی، بیشتر از نوع حسی به حسی است که شاعر به مدد تشبیهات بدیع، پیوند عاطفی با مخاطب برقرار میکند و با ترکیباتی چون «باران نیزه، طوفان خون، نوح حادثه، باران تیر، طفل آب، کاروان نیزه، باغ شهادت، خضر شهادت، موج تشنگی، خنجر کین، خیمه شفق، باغ بینش، صبح شهادت، باغ سبز الفبا، کاروان دل، کودک دل، جام شفق، براق حادثه، راحت سایه، اسب آشوب» به تداعی مفهوم کلی یاری میرساند. تشبیه صریح و بلیغ بیشترین بسامد را در شعر این شاعران داراست.

طوفان خون وزیده، سر کیست در تنور؟ / خاک تو نوح حادثه را میدهد نجات! (با کاروان نیزه، قزوه: ص ۲۷)
خورشید را چو خنجر کین سر برید، ماه / در خیمه شفق چه بگویم چه حال داشت (آغاز روشنایی آیین، گرمارودی: ص ۱۱۵)

روزی که باغ سبز الفبا/ روزی که مشق آب، عمومی است (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۲۳۹)
 براق حادثه زین کن عروج باید کرد / طلوع صبح دگر را خروج باید کرد (رجعت سرخ ستاره، معلم: ص ۴۳)
 ای مادران شهید/ سوگوار که‌اید؟/ دلتنگیتان مباد/ آنان درختانند/ بارانند (مجموعه اشعار، هراتی: ص ۱۱۰)
 تو آن راز رشیدی/ که روزی فرات/ بر لب آب آورد و کنار درک تو/ کوه از کمر شکست (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۳۸)

بعنوان مثال قزو در بیت اول، امام حسین (ع) را به حضرت نوح (ع) تشبیه کرده و شباهت و تناسبی که بین امام حسین (ع) و حضرت نوح از جهت نجات‌دهندگی وجود دارد، باعث این امر شده است. همانطور که نوح (ع) قوم خود را بوسیله کشتی از غرق شدن در طوفان نجات داد، امام حسین (ع) نیز خود کشتی نجات اسلام شد و حدیث «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه» بیانگر این موضوع است.

استعاره: یکی از شاخصهای ارزشمند در شعر شاعران انقلاب استفاده از انواع استعاره است و در تشخیص نیز شاعران به مفاهیم متنوعی توجه نشان داده و در سطح گسترده‌ای از آن استفاده کرده‌اند که در این زمینه توجه شاعران، بیشتر به عناصر دینی و مذهبی و همچنین دفاع مقدس است.

نمونه‌هایی از تصاویر استعاری در اشعار آیینی شاعران انقلاب:

افتاده وفا به خاک گلگون / قرآن به زمین افتاده در خون (چمن لاله، گرمارودی: ص ۱۲۶)

قرآن استعاره مصرحه از حضرت عباس (ع) است.

کوه صبر فاجعه میدانست/ آن شیئه غریب/ بوی مهیب زلزله میداد (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۲۷)

کوه صبر: حضرت زینب (س) / زلزله: شهادت امام حسین (ع)

در قتل عام لاله و شببو و زنبق / طوفان به خون آلوده، دستش تا به مرفق (حسینی، هم‌صدا با حلق اسماعیل: ص ۳۹)

لاله، شببو و زنبق: رزمندگان و شهیدان

شید و شفق را چون صدف در آب دیدم / خورشید را بر نیزه گویی خواب دیدم (رجعت سرخ ستاره، معلم: ص ۷۷)

واژه «شید» استعاره از چهره نورانی امام حسین (ع) و واژه «خورشید» استعاره از سر مبارک امام حسین (ع).

ظهر عاشوراست/ کربلا غوغاست/ کربلا آن روز غوغا بود/ عشق، تنها بود! (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۵۵۹).

در عبارت بالا «عشق» میتواند استعاره از خود امام باشد؛ از این جهت که امام حسین (ع) مظهر دلدادگی است. در گذرگاه حادثه ایستادند/ پیراهن خستگی را/ با بلندنیزه دریدند/ پیش هجوم آنان/ سینه دریدند/ هفتادودو آفتاب از ایمان/ که قوام زمین/ در قیامتشان نشسته بود (مجموعه اشعار، هراتی: ص ۲۷).

حادثه کربلا زمینه‌ساز بسیاری از اشعار شاعران انقلاب است؛ آنچنان که در عبارت بالا، حادثه عاشورا و شهادت هفتادودو تن در کربلا، تداعی جنگ و مبارزه با بیداد، دعوت به حضور در صحنه و نقش‌آفرینی است نه مرثیه‌گویی! و سلمان از رفتن یاران شهید، ناله سرنمیدهد، بلکه از راه آنان تأسی میجوید، در تداوم حماسه‌آفرینی، جهاد و شهادت برای کسب آزادی، آزادگی، دعوت به کنش جمعی و اظهار آمادگی در برابر ظالمان تاریخ اصرار میورزد (دفاع مقدس). شاعر در عبارت بالا تأکید بر فاصله بین ماندن و گریختن دارد که چگونه آفتاب‌صفتان این رخنه و فاصله را با بلندای نیزه درنوردیدند و چون آفتاب باعث قوام و گسترش دین گردیدند.

کنایه: یکی دیگر از ابزارهای تصویرگری که شاعر به مدد آن اندیشه‌ها، عواطف و احساسات خود را هنرمندانه و مؤثر ارائه می‌کند، کنایه است. توجه به کنایات در سبک‌شناسی مهم است؛ زیرا فقط کسانی که به زبان تسلط کافی دارند می‌توانند از این باب استفاده کنند (بیان، شمیسا: ص ۲۳۵). در اشعار آیینی بسامد کنایات فعلی و از نوع ایما، نسبت‌به دیگر انواع کنایات بیشتر است.

شاعران آیینی در غم ازدست دادن امام، از کنایه «پشت شکستن و پشت خم شدن» و در متوسل شدن به امام حسین و یارانش، از کنایه «دست به دامان زدن» و در بیان کردن کیفیت خطبه‌های حضرت زینب (س) پس از عاشورا، از کنایه «زبان آتشین» و در غم ازدست دادن و شهادت شهدای عاشورا، از کنایه «جگر و دل سوختن» و در ابراز بی‌قراری و نگرانی درمورد واقع شدن حادثه عاشورا، از کنایه «عنان ازدست شدن» و یا کنایاتی مانند: «زخم زبان زدن، سایه کسی را با تیر زدن، چارتکبیر زدن، داغ سجده داشتن، در رکاب کسی شمشیر زدن و با پای سرآمدن، حسینی شدن، یزیدی شدن، جان بر کف بودن، میثاق خون بستن، پویه کردن و مویه کردن، تلخی صبر در جام داشتن، صفرای رنج در کام داشتن، سر بر اوج زدن فریاد، بی‌درد بودن، برپای بودن، برجای بودن، برگ کردن، زنجیر خاییدن، صبر مرگ کردن، جان افشاندن، افسار گسستن، نماز بردن، دیوار شدن، در سایه راحت نشستن، پشت کردن، دریا شدن، فردا شدن و...» فراوان بهره جسته‌اند:

پندارم آنکه پشت فلک نیز خم شود / زین غم که پشت عاطفه زان تا ابد خم است (آغاز روشنائی آیینی، گرمارودی: ص ۱۰۵)

پشت خم شدن کنایه است از: شدت غم و اندوه شهادت امام حسین (ع) در روز عاشورا. شمشیری که بر گلولی تو آمد/ هر چیز و همه چیز را در کائنات/ به دو پاره کرد:/ هر چه در سوی تو، حسینی شد/ و دیگر سو، یزیدی (صدای سبز، گرمارودی: ص ۱۶۶) شمشیر بر گلو آمدن کنایه است از: به شهادت رسیدن؛ حسینی و یزیدی کنایه است از: حق و باطل.

چون ساقی پرده‌های بهزاد، لطیف / او جام به کف گرفته، تو جان بر کف (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۹۱)
جان بر کف بودن: کنایه از آماده فدا شدن.

سکوت می‌شکند/ مؤمنان از زیارت هم جا می‌خورند (در ملکوت سکوت، حسینی: ص ۹۵).
جا خوردن: متعجب و شگفت‌زده شدن.

تلمیح: آگاهی گسترده شاعران آیینی از داستانهای کهن ایرانی و آیات و احادیث قرآنی موجب گردیده در اشعارشان از آرایه تلمیح استفاده کنند. این تلمیحات هم تلمیحات تاریخی و اساطیری (تنور پیرزن، طوفان نوح، تیغ قابیل، رنج هابیل، غار ثور) و هم تلمیحات دینی و مذهبی (عباس، خضر، یوسف، سلیمان، عیسی، مسیح، حیدر، زینب، زهرا، بر فراز نیزه بودن سر مبارک امام حسین (ع)، آیات قرآن و احادیث) را دربر می‌گیرد. اما دسته دوم از تلمیحات به مراتب، پرکاربردتر از دسته اول هستند.

بر نیزه‌ها تلاوت خورشید، دیدنی‌ست / قرآن کسی شنیده از این دل‌نوازتر (با کاروان نیزه، قزو: ص ۱۸)
طوفان خون وزیده، سر کیست در تنور؟ / خاک تو نوح حادثه را می‌دهد نجات! (همان: ۲۷)

بیت اول اشاره دارد به بر فراز کردن سر مبارک حضرت امام حسین (ع) و تلاوت قرآن بر سر نیزه. در بیت دوم نیز اشاره دارد به این داستان که بنا به روایتی طوفان حضرت نوح (ع) از تنور پیرزنی شروع شد و از طرف دیگر به دیدن سر مبارک امام حسین (ع) و مخفی نمودن در تنور اشاره دارد.

یا ذبیح‌الله/ تو اسماعیل گزیده خدایی/ و رؤیای به حقیقت پیوسته ابراهیم (صدای سبز، گرمارودی: ص ۱۷۱)

اشاره به داستان حضرت ابراهیم (ع) و قربانی کردن اسماعیل (ع) دارد.
 ز آن دست که چون پرده بیتاب افتاد / بر سطح کرخت آبها تاب افتاد
 دست تو چو رود تا ابد جاری شد / ز آن روی که در حمایت از آب افتاد (مجموعه اشعار، هراتی: ص ۱۳۰)
 تلمیح به واقعه عاشورا و قطع دستهای حضرت عباس (ع).
 تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آب آورد و کنار درک تو / کوه از کمر شکست (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۳۸)

اشاره به چگونگی شهادت حضرت ابوالفضل (ع).
مجاز: شعر آیینی معاصر در زمینه مجاز نیز از حیث گستردگی دامنه نسبتاً وسیعی دارد و اشعار شاعران انقلاب با توجه به پیوند عمیقی که با مذهب و نمادهای اسلامی دارند، در بخش عنصر مجاز نیز از مضامین عاشورایی بهره‌ای قابل توجه برده‌اند:

مدینه نه، که حتی مکه دیگر جای امنی نیست / تمام کربلا و کوفه، غرق ابن‌ملجم بود (صباح‌تاج به خیر مردم، قزو: ص ۶۲)

ابن ملجم، مجاز با علاقه ذکر خاص و اراده عام از دشمنان اسلام است.

خون تو شرف را سرخگون کرده است (صدای سبز، گرم‌ارودی: ص ۱۶۶).

خون مجاز از: شهادت (با علاقه لازمی).

من تلخی صبر خدا در جام دارم / صفرای رنج مجتبی در کام دارم (رجعت سرخ ستاره، معلم: ص ۷۸)

صفرا مجاز از: زهر (با علاقه محلیه).

و از پولادی / که در کوفه / برج آفتاب را دو شق کرد (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۳۲).

پولاد مجاز از: شمشیر (با علاقه جنسیت)

میزبانان موافق / میزبانان منافق / نان بیعت را تبلیغ میکنند (دری به خانه خورشید، هراتی: ص ۱۹)

نان مجاز از: مال و ثروت (با علاقه کلیه)

ویژگیهای فکری

در این تحلیل سبک‌شناسی، در لایه فکری به جهان بینی، باورها و عقاید و افکار شاعر یا نویسنده پرداخته میشود. شاعران انقلاب، فرزندان زمانه خویش هستند. دردها و نابسامانیهای اجتماع خویش را با تمام وجود حس میکنند و میکوشند با سخن خود محرمی باشند برای اسرار مردم و مرهمی بر دردهای ایشان. در اشعار آنان مواردی را بدین شرح میتوان مورد بررسی قرار داد:

مهدویت و انتظار: از جمله مسائل مهم و قابل توجه در جامعه انقلابی ما انتظار سازنده و مثبت است. چنین انتظاری میتواند در تمام سطوح جامعه تأثیر ویژه برجای بگذارد و امت مسلمان را همواره در حال آمادگی آرمانی نگاه دارد؛ آمادگی برای آمدن کسی که عدالت و برابری را جایگزین ظلم و جور میکند و حاکمیت مستضعفین عالم را تضمین مینماید.

این فکر در شعر انقلاب تجلی پیدا کرده و خود سبب ایجاد زمینه مساعدی در شعر انقلاب شده که میتوان آن را «موعودیه‌سرای» نام نهاد؛ دردلهایی صمیمانه و عاشقانه با آن غایب از نظر:

آه میکشم تو را با تمام انتظار / پر شکوفه کن مرا ای کرامت بهار

در رخت به انتظار صف‌به‌صف نشسته‌اند / کاروانی از شهید، کاروانی از بهار (از نخلستان تا خیابان، قزوه: ص ۲۳)

هراتی شاعری انقلابی است و اندیشه‌هایش را وقف انقلاب کرده است، از اینرو نقش ائمه اطهار (ع) بویژه فرهنگ عاشورایی و امام زمان (عج) را پشتوانه بزرگ انقلاب میدانست و اینگونه در شعر بسیار زیبایی با آفتاب صمیمی میسراید:

او همین جاست همین جا/ نه در خیال مبهم جابلسا/ و نه در جزیره خضرا/ و نه هیچ کجای دور از دست/ من او را میبینم/ هر سال عاشورا/ در مسجد بی‌سقف آبادی/ با برادرانم عزاداری میکند (مجموعه اشعار، هراتی: ص ۵۳)

علی معلم در یک مثنوی در مجموعه «رجعت سرخ ستاره» درباره امام زمان چنین سروده‌اند:

باور کنیم رجعت سرخ ستاره را / می‌عاد دستبرد شگفتی دوباره را

...راوی! بخوان که افسر سیارگان مه است / راوی! بخوان که مهدی موعود در ره است (رجعت سرخ ستاره، معلم: ص ۵۹)

در شعری که از علی معلم ذکر شد خیلی ملموس به این مقوله پرداخته شده و صراحتاً به مهدویت و انتظار اشاره شده است که شاعر قصد اشاعه این فرهنگ را دارد:

به انتظار زمین پیر شد چه می‌گویی / رفیق خانه زنجیر من چه می‌جویی

بیا به فاصله دل از فراغ برگیریم / به دست حوصله پرچین باغ برگیریم

...مگو به یأس برادر! که رنگ شب تازه‌ست / قسم، به فجر قسم، صبح پشت دروازه‌ست... (همان: ص ۲۰)

در اشعار بالا شاعر، تلویحاً بیان میدارد که زمین در انتظار پیر شده است و بصورت نمادین و سمبل‌گونه بیان شده که باید با همدیگر محیط و اجتماع را برای ظهور آن حضرت آماده کنیم، لذا تلاش، جهاد و مبارزه انکارناپذیر است. سیدحسن حسینی نیز بعنوان یکی از مطرح‌ترین شاعران دین‌محور انقلاب، در انتظار «سوار عشق» است تا بیاید و به آشفتنگیها سروسامان دهد:

کاش این دل مرده را خدا جان میداد / آشفتنگی‌ام را سروسامان میداد

ای کاش سوار عشق در عرصه دل / می‌آمد و فاتحانه جولان میداد (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۱۵۴)

حسینی در قطعه شعر «زیارت نواحی مقدسه»، ضمن تلمیح به زیارت ناحیه مقدسه نقل شده از امام زمان (عج)، شخصیت ایشان را در ذهن خواننده خود مجسم میکند:

باید برخیزم/ و رو به اقیانوس انتظار/ شمایل امروزینت را/ از دیوار بوسه بیاویزم (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۲۲).

انتظار در نگاه حسینی حرکت‌زا و منشأ زندگی و هستی است؛ نه دردناک و رنج آور. ترکیب نمادین «اقیانوس انتظار» بخوبی بیانگر مفهوم انتظار است.

شوریدگی و وجد امین‌پور در هنگام سرودن از اهل بیت (ع) و پرواز خیال او به این حریم مقدس، به گواهی اشعارش حالی برآمده از قلبی دردمند و ایمانی ریشه‌دوانده در جان اوست، اما این شوریدگی در هنگام نظر دوختن پلنگ خیال شاعر به ماه دوازدهم رنگ‌وبویی دیگر مییابد. امین‌پور به استناد آثارش بیشترین وابستگی عاطفی و

معنایی را به خورشید غائب از نظرها دارد و گاه و بیگاه دل سوخته خویش را روانه این آستان میسازد. گاهی با بیانی آشکار:

این روزها که میگذرد/ هر روز احساس میکنم که کسی در باد/ فریاد میزند/ احساس میکنم که مرا/ از عمق جاده‌های مه‌آلود/ یک آشنای دور صدا میزند/ آهنگ آشنای صدای او/ مثل عبور نور (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۲۳۵)

در گوشه‌گوشه اشعار قیصر امین‌پور، مفهوم انتظار نهفته است؛ این انتظار، بیشتر جنبه روحانی و عارفانه دارد اما میتوان در آن، تمامی خصال یک انسان منتظر را دریافت و البته گاهی نیز این شوق و شور با ترس و حسرتی جانفرسا همراه میگردد:

ای روز آفتابی/ ای مثل چشمهای خدا آبی!/ ای روز آمدن!/ ای مثل روز، آمدنت روشن!/ این روزها که میگذرد، هر روز در انتظار آمدنت هستم!/ اما/ با من بگو که آیا، من نیز در روزگار آمدنت هستم؟ (همان، ص: ۲۴۰)

از بُعد اعتراضی اندیشه انتظار در این شعر، نیز نباید غافل بود. این بعد از آنجا هویدا میگردد که وی از اوضاع نابهنجار جهان میگوید و ظهور مصلح را پایانی بر انحرافات و بی‌نظمیهای جهان بشری در قرون معاصر تلقی میکند. این تفکر ریشه در اعتقاد انقلابی شاعر دارد.

آن روز ناگزیر که می‌آید/ روزی که عابران فهمیده/ یک لحظه وقت داشته باشند/ تا سربلند باشند/ و آفتاب را/ در آسمان ببینند. (همان: ص ۲۳۵).

غفلت‌ستیزی و دعوت به بیداری: از خصوصیات اصلی شعر انقلاب «غفلت‌ستیزی» است. انقلاب، خود ریشه در غفلت‌ستیزی و مبارزه با جهل و ناآگاهی و دعوت مردم به هوشیاری و بیداری دارد و شعر انقلاب هم بتبع آن غفلت‌ستیزی و بیدارگر است. در واقع غفلت‌ستیزی اصلیتین شاخصه شعر نسلی از شاعران انقلاب اسلامی است که با خود انقلاب متولد شدند و در کوره‌های تجارب آن گداختند و به کمال نزدیک شدند. نسلی که اکنون شاخه گسترده و تکثیر شده است. نمونه‌هایی از این ویژگی را در اشعار زیر میبینیم:

مبادا خویش‌تن را واگذاریم / امام خویش را تنها گذاریم

ز خون هر شهید لاله‌ای رست / مبادا روی لاله پا گذاریم (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۷۸)

سلمان هراتی آگاهی و بصیرت اجتماعی را با روح تعهد خود به مخاطبانانش می‌آموزد. با یادآوری توطئه دشمنان به خواننده هشدار میدهد و لحظه‌های خلوت شاعرانه را به همه هیاهوها و جنجالها ترجیح میدهد:

باید دستها را به قبضه شمشیر سپرد/ و حنجره بدی را فشرده/ آه ای پیشوای شورش اقیانوس/ شب‌نشینی دنیا بطول انجامید/ طوفان را رها کن/ و اسب آشوب را/ افسار بگسل؟ (مجموعه اشعار، هراتی: ص ۳۳)

سیدحسن حسینی در پاره‌ای از غزلهای خویش با صمیمیت و صداقت خاصی رزمندگان اسلام و امت مسلمان را به استقامت و بیداری در مقابل خصم کافر کیش دعوت میکند:

ای زده شعله به شب بارقه باورتان / پیش تا صبح ظفر دست خدا باورتان

سینه‌سرخان مهاجر به شما شک بردند / که شفق وام گرفته است زبان و پرتان

بانگ تکبیر شما مژده فتاحی است قریب / تا دژ «نصر من الله» بود سنگرتان (حسینی، همصدا با حلق:

صص ۱۴ - ۱۵)

موسوی گرمارودی نیز راه رسیدن به آرمان آزادی را در جوار مبارزه علیه باطل حتمی میداند و با این نگرش با تدبر و تعقل قاموس شعریش را آراسته میکند:

های و ها مردم! تبه شد عمرهاتان، های!! خود نمیدانید آیا هیچ؟/ زین گران بیهوشی بسیار، برخیزید (صدای سبز، گرم‌رودی: ص ۲۸۰).

امروز پیکار ما یزیدی و حسینی است / در کربلای ما حسین ما خمینی است (گزیده اشعار، گرم‌رودی: ۳۰۰)

علی معلم نیز از جمله شاعرانی است که فضای جامعه آن روز را در اشعارش در پوشش استعاره و نماد جهت بیداری و غفلت‌ستیزی مردم اینگونه بیان کرده است:

آی آبشخور غوکان مذبذب، آی / آی آیینۀ آلودگی شب، آی
آی دریا نفست سرد تو را هستم / شبرو شرزه شبگرد تو را هستم
نطفه‌خوار شب کندوی نران، دریا / مار آبستن افعی جگران، دریا

چند فردا نفسان را به کمین کشتن / نطفه پرورده و در خفیه جنین کشتن ... (رجعت سرخ ستاره، معلم دامغانی: ص ۳۳)

قزوه نیز در زمره شاعرانی است درعین تعهد دینی و دل‌سپردگی به اسلام و انقلاب، هرگاه که اسلام و انقلاب و ارزشهای انسانی را در هجوم بی‌امان نامردی و نامردمی «دین‌فروشان دنیاپرست» میبیند، شمشیر اعتراض و دادخواهی از نیام غیرت میکشد و با حنجره زخمی عشق، ندای بیداری سرمی‌دهد و «بهشت گمشده عدالت» را آرزو میکند:

وقتی دل شکسته نیستان غربت است / تنها بهشت گمشده ما عدالت است (از نخلستان تا خیابان، قزوه: ص ۲۰)
هلا دین‌فروشان دنیاپرست / سکوت شما پشت ما را شکست (همان: ص ۴۲)
کاروان صبحگاهی با شهیدان رفته است / تا به کی سر مینهی بر بالش کابوسها (همان: ص ۲۴)
تا کربلایی هست ای یاران برانید / آنک حدیث سرخ عاشورا بخوانید (قزوه، ۱۳۷۶: ۱۴۸)
باز هنگام پیکار حسین است و یزید / کیست یاری کند اینک پسر فاطمه را (قزوه، ۱۳۷۲: ۲۰۵)

شهید و شهادت: شهید و شهادت از عالیترین مفاهیم شعر انقلاب اسلامی است. شاعران انقلاب به مجاهدان صحنه‌های نبرد که خاصه اولیاءالله محسوب میشوند، عشق میورزند؛ چراکه اینان محبان صادق خدا هستند. مشاهده از جان گذشتگیهای رزمندگان اسلام و شوق آنان برای رسیدن به شهادت، مفهوم شهید و آرزوی شهادت را بارها در شعر شاعران جلوه‌گر ساخت. شاعران انقلاب نیز به موضوع شهادت ارج مینهند و آن را یک ارزش برتر معرفی میکنند و گاه خودشان نیز آرزوی شهادت نموده‌اند؛ چنانکه علیرضا قزوه میگوید:

گل اشکم شبی وامیشد ای کاش / همه دردم مداوا میشد ای کاش

به هر کس قسمتی دادی خدایا / شهادت قسمت ما میشد ای کاش (از نخلستان تا خیابان، قزوه: ۴۸)
شاعران گاهی از زبان مادران شهید، این شیرزنانی که گاه پیکر فرزندان قهرمان خود را به دست خود به خاک میسپردند، با شهیدان به نجوا نشست‌اند و حاصل آن به مرثیه‌ای این چنین سوزناک بدل شده است:
تمام چهارده سالگی‌اش را در کفن پیچیدم/ با همان شور شیرین‌گونه‌ای که کودکی‌اش را قنداق می‌پیچیدم/ مظلوم کوچک من/ با پای شوق خود رفته بود و اینک با شانه‌های شهر بازش آورده بودند (دری به خانه خورشید، هراتی: ۱۵).

یکی از خاطره‌های جاودانه و فراموش‌نشدنی دوران دفاع مقدس، خاطره تشییع جنازه شهیدان است. در این مراسم، حزب‌الله با تکیه بر اصول و بنیادهای خدشه‌ناپذیر انقلاب، با فریادهای بلند خود با خون شهید بیعتی تازه میکردند

و وداعشان با شهیدان، همواره با سوز درون و داغ و درد همراه بود. در جریان دفاع مقدس بارها دیده میشد نزدیکان شهید در آخرین وداع، بوسه‌ای بر رخسار گلگون شهید می‌زنند. شاعر این عصر، قیصر امین‌پور، از اینکه کسی بتواند بر آفتاب بوسه بزند اظهار شگفتی میکند:

نوشیدن نور ناب، کاری است شگفت / این پرسش را جواب، کاری است شگفت

تو گونه‌یک شهید را بوسیدی / بوسیدن آفتاب، کاری است شگفت (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۴۳۱)
شهادت پایان بخشیدن به حیات طبیعی و مادی برای دفاع از ارزشهای والای انسانی و شکستن قفس کالبد مادی و حرکت بسوی مقام والای شهود است؛ بنابراین شهیدان زیباترین آیه هستی، مظهر اسمای حسنا الهی و مرزوق «عند ربهم» و شمع محفل بشریتند.

روزیخوران سفره عشقند تا ابد / ای زندگان خاک، مگویید مرده‌اند (همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۲۰)
شاعر بزرگ و توانمند عصر انقلاب علی معلم دامغانی در مثنوی زیبای «تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما» سر بریده حضرت اباعبدالله (ع) را خورشیدی میبیند که بر خشک‌چوب نیزه‌ها گل کرده است:
روزی که در جام شفق مل کرد خورشید / بر خشک‌چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید (رجعت سرخ ستاره، علی معلم: ص ۷۷)

علیرضا قزوه در جای دیگر از شهادت مردان خدا میگوید که با دهان روزه به ملاقات خدایشان میروند:
دسته‌دسته گم شدند، سهره‌های بی‌نشان / تشنه‌تشنه سوختند، نخلهای روزه‌دار (از نخلستان تا خیابان، قزوه: ص ۱۵)

و آنها را دنباله‌رو شهدای کربلا میداند و از خدا میخواهد این شهیدان را که قربانی راه حق و عدالت هستند قبول کند:

از کربلا با عطش زخم رسیدیم / یا رب! بپذیر این همه قربانی ما را (همان: ۱۶)

موسوی گرمارودی نیز اینگونه با امام حسین (ع) به گفتگو مینشیند:

خون تو شرف را سرخگون کرده است / شفق آینه‌دار نجابت و فلق محرابی / که تو در آن نماز صبح شهادت گزارده‌ای
(صدای سبز، گرمارودی: ص ۱۶۶)

گرمارودی گلوله را چون مدالی بر سینه دوست شهیدش میداند که باعث افتخار و سربلندیش شده است:

گاهی در اندیشه، چون خدا/ گاهی درون سینه/ چون گل مدال زخم گلوله/ بر سینه شهادت سهراب (همان: ۲۱۱)
پیروزی خون بر شمشیر: همیشه فتح، به معنای پیروزی نظامی نیست؛ گاهی سلاح مظلومیت، برتر از سلاح آهنین و آتشین است و خون شهدا در مبارزه حق برضد باطل، پایه‌های سلطه جور را سست میکند و زمینه آگاهی مردم و سپس قیام آنان را فراهم می‌آورد و جباران ظالم پس از رسوایی، شکست خورده و نابود میشوند. این مفهوم پیروزی خون بر شمشیر است (شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، محدثی: ص ۲۴۰).

یکی از اصلیت‌ترین مفاهیمی که موسوی گرمارودی در شعر عاشورایی «خط خون» اشاره میکند، ارزش خون امام حسین (ع) و پیروزی خون بر شمشیر و همه دشمنان اسلامی است:

مرگ سرخت/ تنها نه نام یزید را شکست/ و کلمه ستم را بی‌سیرت کرد/ که فوج کلام را نیز درهم میشکند/ هیچ کلام بشری نیست/ که در مصاف تو نشکند/ ای شیرشکن!! خون تو بر کلمه فزون است/ خون تو بر بستری از آن سوی کلام/ فراسوی تاریخ/ بیرون از راستای زمان/ میگذرد (صدای سبز، گرمارودی: ص ۱۷۰).

در جای دیگر پیروزی خون بر شمشیر را بگونه‌ای دیگر تعبیر میکند:

خط تو با خون تو آغاز میشود/ از آن زمان که تو ایستادی/ دین راه افتاد/ و چون فروافتادی حق برخاست/ و تو شکستی و «راستی» درست شد/ و از روانه خون تو/ بنیاد ستم سست شد (همان: ص ۱۷۲).

سیدحسن حسینی نیز اینگونه بیان میکند:

ای پرچم ارغوانی خون حسین / بر بام جهان در اهتزازت میبینم (گنجشک و جبرئیل، حسینی: ص ۱۶۳)

حسینی در بیت بالا، رسالت حسین را آمیخته با خون میداند و اینکه بیرق حسینی آغشته به خون است، القاکننده این پیام است که برای رسیدن به هدف و مقصود حقیقی، جان‌فشانی اصلیت‌ترین عمل است.

قیصر امین‌پور در منظومه‌ی ظهر دهم بعد از تصویر کردن رشادتهای کودک دلاور داستان خود و شهادت او به پیروزی آن کودک، که با جاری شدن خون او بدست آمده، اشاره میکند:

قصه‌ی آن کودک پیروز/ سالها سینه به سینه گشت تا امروز/ بوی خون او هنوز از باد می‌آید/ داستانش تا ابد در یاد میماند/ خون او امروز در رگهای گل جاری است/ خون او در نبض بیداری است/ خون او در آسمان پیداست/ خون او در سرخی رنگین‌کمان پیداست/ این زمان او را/ در میان لاله‌های سرخ باید جست/ از میان خون پاک او در آن میدان/ باغی از گل رست (مجموعه اشعار، امین‌پور: ص ۵۶۸).

نتیجه‌گیری

شعر آیینی از معتبرترین حوزه‌های شعر معاصر است که شاعرانی چون قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، علی موسوی گرمارودی، علی معلم دامغانی، سلمان هراتی و علیرضا قزوه توانسته‌اند در تحول و تعالی آن نسبت به ادوار پیشین سهم بسزایی داشته باشند. ادبیات انقلاب اسلامی بیش از هر زمان دیگر، تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی و بویژه الگوهای مذهبی تشیع قرار گرفته و اکثر شاعران انقلاب، مضامین فکری خویش را بطور گسترده و با بسامد بالا در اشعارشان بکار برده‌اند. اشعار آیینی شاعران انقلاب با رویکردی نوگرایانه و امروزی است. آنان بی‌آنکه به مرثیه و سوگ صرف و گریه و شیون بپردازند، با بینشی سیاسی اجتماعی به فرهنگ عاشورا، فلسفه‌ی شهادت، عشق در عاشورا، حماسه‌ی عاشورایی، شهادت‌طلبی و آرمان‌جوییها و رشادتها و تعمیق آگاهی در اشعار بر اساس مطالعات دقیق و عمیقی پرداخته‌اند که در قلمرو هنری مفاهیم دینی کمتر مشابهی برای آنان میتوان متصور شد.

در تحلیل آوایی اشعار آیینی شاعران انقلاب درمی‌یابیم که آنان به ساختار آوایی کلام خود توجه ویژه‌ای داشته و انواع مختلف توازن آوایی، واژگانی و نحوی را در اشعارشان رعایت کرده‌اند. کاربرد زبان در پیوند با بافت واژگانی آن در شعر، از عناصر کلیدی برای ساختار آن است و شاعران به این نکته آگاهی داشته‌اند؛ لذا در تحلیل لایه‌ی واژگانی مشخص میشود که آنان در گزینش واژه‌ها از واژه‌های عینی برای مفاهیم انتزاعی استفاده کرده‌اند. در اشعار آنان نیز، واژه‌های نشاندار دینی، انقلابی و جنگ نمودی بارز دارد و نشانه‌ها و مفاهیم اعتقادی در شعر آنان پیرنگ و غالب است. موقعیت ایدئولوژیک واژه‌ها در اشعارشان روشن و تعیین‌کننده‌ی موضع آنان و نوع نگرش آنها به تحولات اجتماعی ایران است. کاربرد رنگ سرخ و سبز در شعر آنان، فضای خونین حماسه و جاودانه بودن شهید را ترسیم میکند.

در لایه‌ی نحوی، جمله‌ها از لحاظ زبانی، تغییر چندانی نمیکند و قاعده‌مند و صحیح بکار برده میشود. ساخت جمله‌ها، ساده و روان و بیشتر کوتاه و به سبک گسسته بکار رفته است.

در تحلیل لایه‌ی بلاغی، میتوان گفت که شاعران انقلاب برای تصویرسازی در اشعار خویش، از ابزارها و عناصری مانند تشبیه، استعاره، کنایه، تلمیح و مجاز بهره گرفته‌اند که در این زمینه توجه شاعران، بیشتر به عناصر دینی و

مذهبی و همچنین دفاع مقدس است. تشبیه بعنوان یکی از عناصر تصویرساز کلام، در آثار این شاعران بسامد بالایی دارد که در این میان، تشبیه بلیغ اضافی کاربرد بیشتری دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز استخراج شده است. آقای دکتر مسعود پاکدل راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای عزیز زیلابی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر سیما منصوری و سرکار خانم دکتر منصوره تدینی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاوران این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Holy Quran, translation by Mehdi ElahiGhomshei, Tehran: Osveh.
- Aminpour, Qaisar. (۱۹۸۴). In the alley of the sun. Tehran: Art Center of Islamic Propaganda Organization.
- Aminpour, Qaisar. (۲۰۱۲). An inclusive collection of QeysarAminpour's poems, Tehran: Morvarid.
- Fotouhi, Mahmoud. (۲۰۱۲). Stylistics, theories, approaches and methods, Tehran: Sokha, p.۳۰۴.
- Harati, Salman. (۱۹۸۵). From the green sky, Tehran: Hozeh Honari Publications
- Harati, Salman. (۱۹۹۷). A Door to the house of the sun, Tehran: Soroush.

- Harati, Salman. (۲۰۰۸). An inclusive collection of Salman Harati's poems, Tehran: Young Poetry Office.
- Harati, Salman. (۲۰۰۸). An inclusive collection of Salman Harati's poems, Tehran: Young Poetry Office.
- Hosseini, Seyed H. (۱۹۹۹). Generic design drug, Tehran: Surah Mehr.
- Hosseini, Seyed H. (۱۹۹۹). Generic design drug, Tehran: Surah Mehr.
- Hosseini, Seyed H. (۲۰۰۵). Sparrow and Gabriel, Tehran: Ofogh.
- Hosseini, Seyed H. (۲۰۰۶). In the kingdom of silence, Tehran: Iranian Poets Association.
- Hosseini, Seyed Hassan. (۲۰۰۸). In unison with Ismael's throat. Tehran: Surah Mehr.
- Hosseini, Seyed Hassan. (۲۰۰۸). In unison with Ismael's throat. Tehran: Surah Mehr.
- Khaghani, S. Divan. (۱۹۹۴). edited by ZiauddinSajjadi, Tehran: Zavar.
- MoallemDamghani, A. (۲۰۰۰). Excerpt from Contemporary Literature, Tehran: Neyestan.
- MoallemDamghani, A. (۲۰۰۶). Red Star return, Tehran: Surah Mehr.
- MoallemDamghani, A. (۲۰۱۰). The sound is split in the wind, Tehran: Surah Mehr.
- Mohaddesi Khorasani, Z. (۲۰۰۹). Ritual poetry and the impact of the Islamic Revolution on it, Tehran: Ashura Cultural Center, p.۲۴۰.
- Mousavi Garmaroodi, S.A. (۲۰۱۱). The beginning of mirror lighting, Tehran: Surah Mehr.
- MousaviGarmaroodi, S. A. (۱۹۸۴). Bloodline, Tehran: Zavvar.
- MousaviGarmaroodi, S. A. (۲۰۱۰). Green voice, Tehran: Ghadyani.
- MousaviGarmaroodi, S.A. (۱۹۸۵). ChamanLaleh, Tehran: Golshan.
- MousaviGarmaroodi, S.A. (۱۹۹۹). Excerpt from Contemporary Literature, ۳rdEd. Tehran: Neyestan.
- Qazveh, Alireza. (۲۰۰۷). With the spear caravan, Tehran: Surah Mehr.
- Qazveh, Alireza. (۲۰۰۸). From the grove to the street, ۱۲thEd, Tehran: Surah Mehr.
- Qazveh, Alireza. (۲۰۱۰). Surah Angour, Tehran: KetabNashr Publications.
- Qazveh, Alireza. (۲۰۱۰). The third ring of Khatam, Delhi: Iran-India Persian Research Center.

Qazveh, Alireza. (۲۰۱۲). Good morning people, Tehran: Etkā.

Shamisa, Sirus. (۱۹۹۵). Expression, Tehran: Ferdows, p.۲۳۵.

فهرست منابع فارسی

- قرآن کریم، (۱۳۷۶)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: اسوه.
- آغاز روشنائی آیین، موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۹۰)، تهران: سوره مهر.
- از آسمان سبز، هراتی، سلمان (۱۳۶۴) تهران: انتشارات حوزه هنری.
- از نخلستان تا خیابان، قزوه، علیرضا (۱۳۸۷)، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سوره مهر.
- انگشتر سوم خاتم، قزوه، علیرضا (۱۳۸۹) دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی ایران-هند.
- با کاروان نیزه، قزوه، علیرضا (۱۳۸۶) تهران: سوره مهر.
- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۷۳) تهران: فردوس.
- چمن لاله، موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۶۴) تهران: گلشن.
- خط خون، موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۶۳) تهران: زوار.
- در کوچه آفتاب، امین‌پور، قیصر (۱۳۶۳)، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- در ملکوت سکوت، حسینی، سیدحسن (۱۳۸۵) تهران: انجمن شاعران ایران.
- دری به خانه خورشید، هراتی، سلمان (۱۳۷۶) تهران: سروش.
- دیوان اشعار، خاقانی شروانی (۱۳۷۳) تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.
- رجعت سرخ ستاره، معلم دامغانی، علی (۱۳۸۵) تهران: سوره مهر.
- سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود (۱۳۹۱) تهران: سخن.
- سوره انگور، قزوه، علیرضا (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات کتاب نشر.
- شرح‌شرحه‌ست صدا در باد، معلم دامغانی، علی (۱۳۸۹) تهران: سوره مهر.
- شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸) تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- صبحتان بخیر مردم، قزوه، علیرضا (۱۳۹۱) تهران: اتکا.
- صدای سبز، موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۹) تهران: قدیانی.
- گنجشک و جبرئیل، حسینی، سید حسن (۱۳۸۴) تهران: افق.
- گزیده ادبیات معاصر، معلم دامغانی، علی (۱۳۷۹) تهران: نیستان.
- گزیده ادبیات معاصر، موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۷۸) چاپ دوم، تهران: نیستان.
- مجموعه کامل اشعار، امین‌پور، قیصر (۱۳۹۱) تهران: مروارید.

مجموعه کامل اشعار، هراتی، سلمان (۱۳۸۷) تهران: دفتر شعر جوان.
نوشداروی طرح ژنریک، حسینی، سیدحسن (۱۳۷۸) تهران: سوره مهر.
هم‌صدا با حلق اسماعیل، حسینی، سیدحسن (۱۳۸۷) تهران: سوره مهر.

معرفی نویسندگان

عزیز زیلابی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.
(Email: aziz.zilabi7070@gmail.com)
مسعود پاکدل: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.
(Email: masoudpakdel@yahoo.com) (نویسنده مسئول)
سیما منصوری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.
(Email: sima_mansoori91@yahoo.com)
منصوره تدینی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.
(Email: ms.tadayoni@gmail.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Aziz Zilabi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.
(Email: aziz.zilabi7070@gmail.com)
Masoud Pakdel: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.
(Email: masoudpakdel@yahoo.com) Responsible author
Sima Mansouri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.
(Email: sima_mansoori91@yahoo.com)
Mansoureh Tadayoni: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.
(Email: ms.tadayoni@gmail.com)